

# The Functions of Emotional Education in the Life of the Innocents (AS)

## ARTICLE INFO

### Article Type

Research Article

### Authors

Seyyede Marzieh Mazloumi<sup>1</sup>

Seyyed Ahmad Mirian<sup>2\*</sup>

Hamid Mohammad Ghasemi<sup>3</sup>

### How to cite this article

Seyyede Marzieh Mazloumi, Seyyed Ahmad Mirian, Hamid Mohammad Ghasemi, The Functions of Emotional Education in the Life of the Innocents (AS), *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2023:6(4): 362-370.

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

2. Faculty member, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran (Corresponding Author).

3. Faculty member, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

### \* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: mirian.m@gmail.com

### Article History

Received: 2022/08/28

Accepted: 2022/12/31

## ABSTRACT

The current research under the title "Functions of emotional training in the lives of the innocents (peace be upon them)" tries to explain the effects and functions of emotional training with the analytical-descriptive method and by referring to the traditions and lives of the innocents (peace be upon them). Considering that familiarity with these works can lead the audience to this educational field as an educational motivation, familiarity with these functions is important. The findings of the research show that emotional affairs have a high place in the field of education and the effects and functions of emotional education are numerous such as: philanthropy, cultivation of intellect, benefiting from divine mercy, obedience, creating unity between people, eliminating grudges, security, brotherhood, creating hope, increasing modesty and humility, emotional support and creation of hearts. Undoubtedly, if a person is educated based on the emotional upbringing of the Ahl al-Bayt (peace be upon them) as a complete human model, he will have a peaceful and happy life and will advance on the path to the realization of a virtuous life.

**Keywords:** Innocents (AS), Emotional Education, Emotions, Function.

## کارکردهای تربیت عاطفی در سیره معصومین (علیهم

(السلام)

سیده مرضیه مظلومی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

سیداحمد میریان<sup>۲</sup>

عضو هیئت علمی، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول).

حمید محمدقاسمی<sup>۳</sup>

عضو هیئت علمی، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

## چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان «کارکردهای تربیت عاطفی در سیره معصومین (علیهم السلام)» تلاش دارد تا با روش تحلیلی-توصیفی و با مراجعه به روایات و سیره معصومین (علیهم السلام)، آثار و کارکردهای تربیت عاطفی را تبیین نماید. نظر به این که آشنایی با این آثار می تواند به عنوان انگیزه تربیتی، مخاطبان را به این ساحت تربیتی سوق دهد، آشنایی با این کارکردها حائز اهمیت است. یافته های پژوهش نشان می دهد که امور عاطفی در قلمرو تربیت از جایگاه بالایی برخوردار و آثار و کارکردهای تربیت عاطفی متعددی نظیر: انسان دوستی، پرورش قوه عقل، بهره مندی از رحمت الهی، تبعیت، ایجاد وحدت بین انسان ها، از بین رفتن کینه ها، امنیت، اخوت، ایجاد امیدواری، افزایش تواضع و فروتنی، حمایت عاطفی و تألیف قلوب در پی دارد. بدون تردید اگر انسان بر اساس تربیت عاطفی که در سیره اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان الگوهای تام بشری، تربیت شود، زندگی همراه با آرامش و سعادت خواهد داشت و در مسیر تحقق حیات طیبه پیش خواهد رفت.

کلیدواژه ها: معصومین (علیهم السلام)، تربیت عاطفی، عواطف، کارکرد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

\* نویسنده مسئول: mirian.m@gmail.com

## مقدمه

در طول تاریخ از جمله مباحث مورد توجه نوع بشر، تربیت بوده است. از انسان نخستین تا انسان های جوامع پیشرفته و متمدن امروزی، فکر تربیت آدمی وجود داشته، و در فرهنگ های مختلف به صورت های متفاوتی ظهور پیدا کرده اما همگی، ضرورت تربیت در اندیشه انسان ها را نشان می دهد. انسان می تواند به سبب تربیت به کمالات انسانی دست یابد یا به پایین ترین مراتب انسانی تنزل نماید و از حقیقت وجودی خویش بی بهره بماند. پرداختن به تربیت در حقیقت توجه به ضروری ترین امور انسان و جامعه انسانی است از جمله ساحت های مختلفی که ضرورت دارد بدان توجه شود، تربیت عاطفی است. با توجه به این که در جهان کنونی، زندگی اخلاقی و عاطفی بشر در اثر تزلزل نظام های ارزشی و انحلال مبانی فطری، مورد تهدید قرار گرفته و جامعه بشری با بحران های گوناگون مواجه شده است، اهمیت بررسی تربیت عاطفی مضاعف می گردد. تربیت عاطفی، به معنای اتخاذ تدابیر مقتضی، جهت فراهم ساختن شرایط مساعد، برای رشد عواطف مثبت و کنترل و هدایت عواطف منفی و به عبارت دیگر به معنای شکوفاسازی عواطف با راهنمایی عقل و شرع است، تا جلوی افراط و تفریط های عاطفی گرفته شود. توجه به این نکته لازم است که انسان، برای داشتن یک زندگی سعادتمند و رسیدن به حد کمال، نیاز به پیروی از الگوهای در زمینه ی تربیت عاطفی دارد. معصومین (علیهم السلام) به عنوان انسان هایی نمونه و الگوهای تام، از جمله کسانی هستند که بشر می تواند با مراجعه به زندگی و آموزه های ایشان، به سعادت واقعی دست یابد. درباره سیره شناسی معصومان (علیهم السلام)، پژوهش های فراوانی صورت گرفته، لکن جامعه بشری به طور عام و جوامع اسلامی به طور خاص پیوسته نیازمند تکرار و تذکرند، از این رو، بایسته است همواره، سیره شناسی معصومان (علیهم السلام) در دستور کار نظام آموزشی و تربیتی ما قرار گیرد تا به واسطه ی آن، جامعه های نورانی پدید آید و نیز بسیار شایسته و بایسته است که روایات تربیتی معصومان (علیهم السلام) مورد کاوش قرار گرفته و با الگوگیری از رویکرد عاطفی آنان، نظام تربیتی اهل بیت شناخته و شناسانده گردد. آموزه های معصومین (علیهم السلام)، به گونه ای بسیار ظریف و ماهرانه عواطف و احساسات فرد را مورد احترام قرار داده، گاهی تقویت و گاه تعدیل کرده است. نگاهی به دستورات و مقررات اسلام پیرامون روابط انسان ها با یکدیگر، نشان دهنده ی تأکید اسلام بر بُعد عاطفی انسان در میدان تربیت است. با توجه برنامه های عینی و تربیتی معصومان (علیهم السلام) که تبیین کننده آیات الهی هستند، این واقعیت روشن می شود که هر انسانی منشأ دو گونه آثار است: خوب و بد. تمام اندیشمندان به یک اصل معتقد هستند و آن این است که اگر انسان در معرض نسیم تربیت صحیح قرار بگیرد، تمام استعدادهایش شکوفا گشته و منشأ آثار مهم پر برکتی خواهد گشت، ولی اگر از حوزه تربیت اصیل دور بماند خصالش مرده و با سرکوب شدن ویژگی هایش از آثار عالی انسانیت دور می ماند. با عنایت به این امر که تربیت عاطفی، آثار و کارکردهای بسیاری در زندگی انسان ها به دنبال دارد، در این جستار نگارنده با تتبع در سیره

معصومین (علیهم السلام) این کارکردها و آثار را استخراج و معرفی می‌نماید.

#### تربیت عاطفی

لغت‌شناسان برای تربیت دو ریشه ذکر کرده اند: برخی گفته‌اند: اصل آن از مضاعف (رب-رب) بوده است و مراد از آن به گفته راغب عبارت است از: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ: التَّرْبِيَةُ وَهُوَ إِشَاءُ الشَّيْءِ حَالاً فَحَالاً إِلَى حِدِّ التَّمَامِ» (1)؛ رب، در اصل به معنای تربیت و آن ایجاد شیء به صورت تدریجی تا حد رسیدن به کمال است. تعدادی از کتاب‌های معتبر لغت در ذیل ریشه «رب» آورده‌اند که «رب» با واژه تربیت مرتبط است و تربیت از ربو است و افرادی همچون ابن‌منظور در لسان العرب آورده است: «تَرْبِيَةٌ وَارْتَبَةٌ وَرَبَاهُ تَرْبِيَةٌ عَلَى تَحْوِيلِ التَّضْعِيفِ وَتَرْبَاهُ عَلَى تَحْوِيلِ التَّضْعِيفِ أَيْضاً» (2)، وی این واژه را به معنای زیاده و رشد دانسته است. در اصطلاح نیز تربیت، به جریان یا فرایندی منظم و مستمر گفته می‌شود که هدف آن، هدایت رشد جسمانی و روانی و یا به طور کلی، هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفایی استعدادها آنها است (3).

عاطفه از ریشه «عطف» و به معنای توجه مهربانانه، تمایل، روی آوردن و مهرورزی به دیگران است. (4)؛ (5) در اصطلاح: «عاطفه یک حالت درونی است که جلوه و انعکاس آن به صورت هیجان بروز می‌کند» (6) عاطفه انسانی برخلاف غرایز که پشتوانه خودخواهی دارد، استعدادی درونی است که پشتوانه دیگرخواهی در انسان به وجود می‌آورد. (7)

با استمداد از تعریف تربیت و عاطفه می‌توان تربیت عاطفی را این گونه تعریف نمود: تربیت عاطفی عبارت است از فراهم‌سازی شرایط مناسب و با استفاده از عوامل و روش‌های مؤثر و برنامه‌ریزی شده از سوی عوامل تأثیرگذار بر تربیت، به منظور شکوفاسازی گرایش‌های عاطفی متربی (انسان) و کمک رساندن به رشد عواطف مثبت و کاهش عواطف منفی در یک فرآیند مستمر و تدریجی. مقصود از عواطف مثبت، گرایش‌ها و احساسات خوب و مثبتی است که فرد در وجود خود می‌یابد و زمینه‌ساز برقراری ارتباط سازگارانانه و شفق‌آمیز با دیگران می‌گردد و مطلوب شرع و عقل می‌باشد. مراد از عواطف منفی، گرایش‌ها و حالاتی است که نارضایتی را به دنبال دارد و زمینه‌ساز عدم برقراری ارتباط مثبت و احیاناً صدور گفتار و یا رفتار نامطلوب از فرد نسبت به دیگری می‌گردد و از منظر شرع و عقل سلیم، مطلوب تلقی نمی‌گردد. (8)

#### کارکرد

در لغت‌نامه دهخدا این واژه به معنای عمل، کار، کردار و فعل آمده است. (9) در اصطلاح نیز کارکرد به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد. (10)

#### کارکردهای تربیت عاطفی

##### انسان‌دوستی

یکی از کارکردهای تربیت عاطفی در سیره معصومین (علیهم السلام)، بروز انسان‌دوستی است. انسان‌دوستی به معنای دوست داشتن افراد بشری، یعنی هر انسانی به هر نسبت که از ارزش‌های انسانی برخوردار است، شایسته دوستی است. اگر زمینه تربیت عاطفی انسان‌ها به شکلی صحیح اتفاق بیفتد؛ موجب می‌شود تا حس انسان‌دوستی میان انسان‌ها پدید آید. اگر علاقه و مودتی که ریشه در طبیعت انسانی دارد، به طور ارادی و آگاهانه از انسان صادر شده و متوجه انسانی دیگر گردد، نمود خاصی از تربیت عاطفی است. امام علی (علیه‌السلام) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه خطاب به فرزندش امام حسن (علیه‌السلام) درباره نوع رفتار با دوستان، نمونه کاملی از انسان دوستی اسلامی را معرفی می‌کند: «أَحْمِلْ نَفْسَكَ مِنْ أَخِيكَ عِنْدَ صَرْمِهِ عَلَى الصَّلَةِ، وَ عِنْدَ صُدُودِهِ عَلَى اللِّطْفِ وَ الْمَقَارِبَةِ، وَ عِنْدَ جُمُودِهِ عَلَى الْبَدَلِ، وَ عِنْدَ تَبَاعُدهِ عَلَى الدُّنُوِّ، وَ عِنْدَ شِدَّتِهِ عَلَى اللَّيْنِ، وَ عِنْدَ جُرْمِهِ عَلَى الْعُذْرِ، حَتَّى كَأَنَّكَ لَهُ عَبْدٌ، وَ كَأَنَّهُ ذُو نِعْمَةٍ عَلَيْكَ» (۳۱)؛ چون برادر دینی تو از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی برقرار کن، اگر روی برگرداند، تو مهربانی کن و چون بخل ورزد تو بخشنده باش و هنگامی که دوری گزیند تو نزدیک شو و چون سخت می‌گیرد، تو آسان گیر و به هنگام گناهش عذر او را بپذیر، چنان که گویی بنده او باشی و او صاحب نعمت تو باشد.

«امام (علیه‌السلام) در این توصیه، فرزند خود را از مقابله به مثل در برابر خشونت و بی‌محبتی دوستان، بر حذر می‌دارد و ضمن چند جمله، مقابله به ضد را در این گونه موارد توصیه می‌کند؛ چرا که مقابله به مثل پایه و اساس دوستی را به خطر می‌افکند و انسان دوستان خود را از دست می‌دهد؛ ولی اگر در برابر بی‌مهری مهر ورزد و در برابر بدی‌ها نیکی کند، به زودی دوستش به اشتباه خود پی می‌برد و شرم‌منده می‌شود و در مقام جبران بر می‌آید و پایه‌های دوستی محکم‌تر از پیش می‌شود.» (۱۲)

همچنین در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز آمده است: «أَلْخَلَقَ كُلَّهُمْ عِيَالاً اللَّهُ فَاحْبِبْهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْفَعَهُمْ لِعِيَالِهِ» (۱۱)؛ مخلوقات همه عیال خدا هستند؛ محبوب‌ترین بندگان نزد خدا کسی است که محبتش به مخلوقات خدا بیشتر باشد.

بدیهی است انسان موجودی است اجتماعی و بپویا که به منظور تأمین نیازهای جسمی، روحی و عاطفی همیشه با هم‌نوعان خود در حال تعامل است و بدون ارتباط با دیگران نمی‌تواند توانمندی‌های خویش را در جهت انجام وظایف فردی و اجتماعی توسعه دهد. تمام انسان‌ها جهت تأمین نیاز به دلبستگی و ارتباط با هم‌نوعان به دنبال یافتن کسانی هستند که در کنار آنان احساس آرامش، آسایش و خوشبختی کنند، لذا اسلام به عنوان جامع‌ترین دین در جهت تحقق چنین هدفی آداب و ظرفیت‌های وسیعی را در نظر گرفته است و از مبانی و اصول تربیت عاطفی مؤثر در امر هدایت و سعادت انسان‌ها استفاده می‌کند و در چهارچوب دعوت به آموزه‌های نجات بخش، زمینه بالندگی، تعالی و شکوفایی فردی و اجتماعی انسان را فراهم نموده است. یکی از آثاری که به دنبال این راهبرد اسلام ظهور پیدا می‌کند، همین انسان‌دوستی و علاقه او به سایر هم‌نوعانش است.

## پرورش قوه عقل

پرورش قوه عقل در وجود انسان، از دیگر کارکردهای تربیت عاطفی است که، با تکیه بر اصل تعقل، در سیره تربیتی معصومین (علیهم السلام) نمود پیدا کرده است. در همین راستا امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «تَوَدُّ إِلَى النَّاسِ نَصْفُ الْعَقْلِ» (۱۱)؛ ابراز دوستی با مردم نیمی از عقل است.

تعبیر به «نیمی از عقل» اشاره به این است که کاری است فوق‌العاده عاقلانه و منظور از «تودد» این است که کارهایی انجام دهد که نشانه کمال محبت و دوستی باشد؛ در مشکلات به یاری آن‌ها بشتابد و در برابر کارهای ناروا به هنگام قدرت به جای انتقام جویی عفو کند و با چهره گشاده با مردم روبه‌رو شود، در برابر آن‌ها تواضع کند، سخنان آن‌ها را بشنود و به آن‌ها احترام بگذارد. مجموعه این امور و مانند آن را «تودد» می‌گویند (۱۲) که در حقیقت در سایه عقل و خرد امکان‌پذیر می‌باشد.

فعالیت‌های عاطفی برای پرورش عقل ضرورت دارد و حالات عاطفی در هر لحظه در طرز تفکر آدمی اثر می‌گذارد. به بیانی دیگر همان گونه که اصل تعقل در تربیت عواطف انسان تأثیرگذار است، تربیت صحیح عواطف نیز در پرورش عقل مثمر ثمر است، تا جایی که به بیان حضرت امیر (علیه‌السلام) دوستی کردن با مردم که یکی مبانی تربیت عاطفی است، نیمی از عقل برشمرده شده است. لازم به ذکر است عاطفه و عقل در مقام تأثیر و تأثر با هم تعامل دوسویه دارند و هر یک بر دیگری تأثیرگذار است و نمی‌توان به صورت مطلق حکم نمود که کدام متقدم و کدام متأخر است.

## بهره‌مندی از رحمت الهی

«رحمت» به معنای تأثیر قلب است، اما نه هر تأثیری؛ بلکه تأثیر خاصی که از مشاهده ضرر و یا نقص در دیگران به آدمی دست می‌دهد و آدمی را و می‌دارد که در مقام جبران ضرر و اتمام نقص او برآید، ولی وقتی این کلمه به خدای تعالی که اجل از داشتن قلب است نسبت داده شود، دیگر به معنای تأثیر قلبی نیست، بلکه به معنای نتیجه آن تأثیر است. نتیجه تأثیر در ما آدمیان این بود که در مقام جبران نقص طرف برآیم؛ رحمت خدای تعالی نیز به همین معناست (۱۳)

در روایت معصومین (علیهم‌السلام) وصول به رحمت خداوند، از آثار و نتایج تربیت عاطفی معرفی شده است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله) فرموده است: «رَحِمَ اللهُ عَبْدًا أَعَانَ وَكَدَّ عَلَى بَرِّهِ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَالتَّأَلُّفِ لَهُ وَتَعَلُّمِهِ وَتَأْدِيبِهِ» (۱۴)؛ خداوند رحمت کند پدری را که با نیکی نمودن و مهربانی به فرزندش و با آموزش دادن و ادب کردنش او را در نیکی به خود یاری می‌کند. طبق این کلام پیامبر (صلی الله علیه و اله) پدر و مادری که نقش تربیت‌کننده را ایفا می‌کنند، مشمول رحمت خداوند خواهد بود.

در روایت دیگری حضرت موسی بن جعفر (علیه‌السلام) می‌فرماید: «إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمَرْحُومُونَ مَا تَحَابُّوا وَ آدَوْا الْأَمَانَةَ وَ عَمِلُوا الْحَقَّ» (۱۴)؛ مردم روی زمین تا هنگامی که یکدیگر را دوست بدارند و امانت داری کنند و بر اساس حق عمل نمایند، همواره در رحمت (و آسایش) هستند.

امام اولین صفتی را که در این حدیث مایه رحمت و سعادت انسان‌ها شناخته و از آن نام برده، دگردوستی و ابراز محبت مردم نسبت به یکدیگر است. اگر افراد یک جامعه در شادی هم شاد شوند و در غم هم متأثر گردند، از این ابراز مسرت و اظهار همدردی پیوستگی و علاقه چشمگیری در آن جامعه به وجود می‌آید و همه مردم از آن همبستگی بهره‌مند می‌گردند. اهتمام بر این امر همان گونه که امام فرموده‌اند، زمینه‌ساز رحمت و آسایش خواهد بود.

## تبعیت

ارائه الگوی مناسب به متربی، در تربیت روشی پسندیده و معصومین (علیهم‌السلام) خود به عنوان الگویی تام و کامل مسیر راه را به انسان‌ها نشان می‌دهند. بی‌شک پیروی کردن از الگویی که متربی آن را به صورت کامل قبول دارد، موجب می‌گردد تا از الگو اطاعت و تبعیت نموده و به نوعی خود را با الگو همانند سازد. از منظر امام علی (علیه‌السلام) انسان‌ها سر در گرو محبت داشته و محبت‌کننده‌ی به خود را دوست دارند و مطیع فرمان او هستند، چنان که در این رابطه می‌فرماید: «قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحْشِيَّةٌ، فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ» (۳۱)؛ دل انسان‌ها وحشی است و به هر کسی که الفت و محبت پیدا کند گرویده‌ی او می‌شود.

کلام امام اشاره به این می‌کند که انسان، نسبت به کسانی که نمی‌شناسد، نوعی احساس بیگانگی می‌کند؛ ولی اگر طرف مقابل از طریق محبت وارد شود، در برابر او رام می‌شود (۱۲). مردم، خود به خود تحت تأثیر هوا و هوس، جهالت، طمع، حرص و عوامل دیگر محیط و خانواده و از همه بیش‌تر خامی، راه بیگانگی و فرار از دیگران از انتخاب می‌کنند. راه جلوگیری از زیان این خصلت روانی، همانا دوستی و الفت و محبت با مردم است. چنانچه این محبت بین طرفین شکل بگیرد، روحیه تبعیت و اطاعت‌پذیری نیز ظاهر می‌گردد. امام علی (علیه‌السلام) در جایی دیگر می‌فرماید: «بِالْبِرِّ يُسْتَعْبَدُ الْحُرُّ» (طبرسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴)؛ محبت و نیکی کردن به دیگران، آنان را به تسلیم و می‌دارد. محبت، تبعیت می‌آورد و اگر انسان شخصی را دوست داشته باشد، سعی می‌کند پیرو او باشد و به خواسته‌ها و سلیقه‌ی او احترام بگذارد و یک محب هیچ‌گاه مخالفت با محبوب خویش نمی‌نماید. در تربیت عاطفی انسان‌ها، تبعیت با محبت رابطه مستقیم دارد و هر اندازه که محبت بیشتر شود، پیروی هم افزون می‌گردد. در حقیقت میان محبت و اطاعت رابطه معیّت وجود دارد؛ با ظهور محبت، اطاعت و هم‌رنگی پیدا می‌شود و محب به محبوب تأسی می‌کند. همین اطاعت است که مشابهت و مشاکلت می‌آورد و محب تلاش می‌کند که به صفات محبوب متصف شود.

## ایجاد وحدت بین انسان‌ها

وحدت؛ از ریشه «وح-ح» مصدر است و در لغت به معنای «یگانه و یکی بودن» (۲) آمده و واژه نزدیک به آن، کلمه اتحاد است. طریحی کلمه «اتحاد» را به معنای «یکی شدن دو شیء» معنا کرده است. (۵) وحدت در لغت‌شناسی قرآنی، به معنای «یکی بودن» (۱) آمده است.

یکدیگر هدیه دهید، تا زمینه‌ساز محبت میان شما به یکدیگر شود، پس به‌درستی که هدیه دادن کینه‌ها را از بین می‌برد. در پیوندهای عاطفی بین مربی و متربی، اگر کسی هدیه دهد، کینه و دشمنی میان او و دریافت‌کننده هدیه، از بین می‌رود و تبدیل به دوستی و همدلی می‌شود. شواهد عرفی و تجربی نیز نشان می‌دهند که دادن هدیه به دوستان و بستگان، دل‌هایشان را به هم نزدیک و کدورت‌ها را از بین می‌برد. کینه و عداوت وصف درونی انسان است که بر رفتار ظاهری وی تأثیری بسزا دارد و از گناهان شمرده می‌شود. این صفت، عامل آسیب‌زا است و روابط عاطفی و اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو، برای درمان آن باید راهی را جست‌وجو کرد که البته مناسب‌ترین راه، هدیه دادن است. (۱۹)

هدیه دادن، پیام دوستی و مهر و وفا و زدودن کینه‌ها را در خود دارد. پیام امید و صمیمیت و یک‌رنگی و اخلاص است که سبب خشنودی متربی خواهد شد. بیش از آن که جنبه مادی هدیه مورد نظر باشد، ارزش معنوی آن مورد توجه است. در حقیقت اثر هدیه، پیوند دل‌ها، تحکیم دوستی‌ها، زدودن کینه‌ها، تقویت عواطف و تکریم شخصیت هدیه‌گیرنده است.

#### امنیت

امنیت مصدر جعلی از ریشه «ا م ن» به معنای در امان بودن، ایمنی و آسودگی (۲۰) و از بین رفتن هراس و نگرانی (۱) است. از نظر اسلام، امنیت نخستین و اساسی‌ترین شرط زندگی سالم اجتماعی است. به همین دلیل، حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) هنگام بنای کعبه نخستین چیزی را که از خداوند برای آن سرزمین تقاضا کرد، نعمت «امنیت» بود. (ابراهیم/۳۵) در تاریخ آمده است: جامعه‌ی مشرکین قریش با دشمنی‌ها، جنگ‌ها و هتک حرمت‌های عجیب خود، امنیت اجتماعی را از همگان سلب کرده بودند؛ لذا در جامعه‌ی آن روز یأس و ترس عجیبی حاکم شده بود. با پیروزی غرور آفرین پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلین‌وسلم) و یاران با وفایش بر این دشمنی‌ها، این یأس‌ها و ترس‌ها بیشتر هم شده بود به گونه‌ای که عده‌ای از ترس انتقام‌گیری مسلمانان بر فراز کوه‌های ابوقیس و خندمه که مشرف بر مسجدالحرام است، فرار کرده بودند و از آن جا مأیوسانه مراقب اوضاع بودند، اما مراتب عطف و مهربانی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در همین جا (فتح مکه) تجلی کرد و تمام یأس‌ها و ناامیدی‌های دشمنان اسلام تبدیل به امید شد و امنیت لازم بر جامعه‌ی وحشت زده‌ی آن روز حاکم گردید. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مشرکان را بدین صورت مورد خطاب و عفو خویش قرارداد: «أَلَا لَيْسَ جِيرَانَ النَّبِيِّ كُنْتُمْ لَقَدْ كَذَّبْتُمْ وَطَرَدْتُمْ وَأَخْرَجْتُمْ وَأَذَيْتُمْ ثُمَّ مَارَضَيْتُمْ حَتَّى دَخَلْتُمُونِي فِي بِلَادِي تَقَاتَلُونِي فَأَذْهَبُوا فَأَنْتُمْ الطُّلَقَاءُ»؛ بدانید که شما بد همسایگانی برای پیامبر بودید، و او را تکذیب کردید، او را از خود راندید، بیرون کردید، و مورد اذیت قرار دادید، و به این مقدار راضی نشدید و آمدید در دیار من و آتش جنگ را افروختید. هم اکنون بروید همه‌ی شما آزاد هستید. به پاس این عطف و مهربانی در مدّت ده روز، دو هزار نفر از قریش مسلمان شدند. (۲۲)

#### اخوت

یکی از کارکردهای تربیت عاطفی در سیره معصومین (علیه‌السلام)، شکل‌گیری و ایجاد وحدت بین انسان‌ها است. علت تنازع و تفرقه انسان‌ها هرچه باشد و به هر شکلی صورت گیرد -شکاف‌های مذهبی، فرقه‌ای، قومی، زبانی، نژادی و... -، تاریخچه‌ای به فراخنای زندگی بشری دارد و بسیاری از جنگ‌ها، ستیزه‌جویی‌های فرسایشی، تجاوزگری‌ها و... ثمره آن است. یکی از برنامه‌های اساسی معصومین (علیه‌السلام)، نزدیک ساختن انسان‌ها به همدیگر، تألیف قلوب، تعمیق مهرورزی و محبت است.

در سیره نبوی آمده که ایشان عقد اخوت را بنیان نهاد تا محبت و نزدیکی میان مسلمانان را سبب شود و وحدت‌گرایی در عمق قشرهای مختلف جامعه اسلامی ریشه بدواند. لذا دو بار در زمان رسالت خویش به آن امر کرد: بار اول در مکه پیش از هجرت و بار دوم در سال اول هجرت در مدینه. پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از طرف خدا مأمور گشت که مهاجرین و انصار را با یکدیگر برادر کند، لذا در انجمنی عمومی رو به همه مسلمانان کرد و فرمود: «تَاخَوْا فِي اللَّهِ اَحْوَيْنَ» (۱۵)؛ تا دو تا با یکدیگر برادر شوید.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از برقراری ارتباط عاطفی برای تحکیم وحدت غافل نبود. آن حضرت برای برقراری این ارتباط، گاه در گفت‌وگو با افرادی که از تیره‌ی خاصی بودند و لهجه‌ی مخصوص به خود داشتند، با الفاظ و لهجه‌ی آنان سخن می‌گفت؛ چنان که در پاسخ به این سؤال که «حکم روزه مسافر چیست؟» فرمود: «لَيْسَ مِنْ اِمْرٍ اَمْصِيَامٌ فِي اِمْسَقَرٍ» (۱۶) که به جای استفاده از حرف تعریف «ال»، مطابق گویش یمنی‌ها از «ام» استفاده کرد. این نشان می‌دهد که پرسش‌کننده شخصی یمنی بوده است و پیامبر خواسته برای پیوند عاطفی با یمنی‌ها از گویش آنان استفاده کند. (۱۷)

در راستای تربیت عاطفی پیشوایان ما با تعابیری زیبا و گویا ضرورت وحدت و همدلی در جامعه اسلامی را گوشزد کرده و با رفتار وحدت‌آفرینشان بر این نکته صحه گذاشته‌اند. از آن روی که اقدامات تربیتی بزرگ جز در سایه وحدت و همدلی شدنی نیست، اهل بیت معصوم (علیهم‌السلام) همواره به دنبال اتحاد میان افراد جامعه بوده‌اند تا به واسطه آن، تفاخر، غرور، تنازع و کشمکش را از جامعه دور سازند.

#### از بین رفتن کینه‌ها

کینه از ثمرات غضب و این است که انسان به طور دائم و مستمر بغض و تنفر داشته باشد. هنگامی که انسان غضب کند و از انتقام ناتوان باشد چاره‌ای ندارد، جز این که غضب خود را فرو برد، این خشم و غضب به باطن بر می‌گردد و عقده درونی ایجاد می‌کند و تبدیل به کینه می‌شود (۱۸) یکی از کارکردهای تربیت عاطفی در روابط انسان‌ها، با تکیه بر مبانی و اصول مطروحه در سیره معصومین (علیهم‌السلام)، برطرف شدن کینه‌ها و کدورت‌ها است. در راستای تربیت، دادن هدیه اثرات عاطفی بسیاری همچون رفع کینه خواهد داشت. همان گونه که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «تَهَادَوْا تَحَابُّوا فَإِنَّ اَلْهَدِيَّةَ تَذْهَبُ بِالضَّغَائِنِ» (۱۱)؛ به

با آرزوی تحقق آن، توقع و انتظار روی دادن امری خوش آیند، آن چه یا آن که باعث خشنودی و پشت گرمی است، تکیه گاه، محل پناه آمده است. در مقابل امید، یأس، ناامیدی و بیم داشتن می باشد (۹) در زبان عربی، امید مترادف با «رجاء» (۲۵) است. یکی از آثار و کارکردهای تربیت عاطفی که در سیره معصومان (علیهم السلام) معرفی شده، پیدایش امید در انسانها است. ایمان به خدا که به عنوان یکی از مبانی تربیت عاطفی معرفی شد، از جمله مواردی است که امید را به دنبال دارد. به بیانی دیگر نخستین عامل آفریننده امید در قلوب افراد با ایمان، پس از تلاشهای شایسته، همان اعتقاد به رحمت گسترده خدا است، خدایی که رحمت او بر خشم او مقدم می باشد: «یا مَنْ سَمَّيْتَهُ رَحْمَتَهُ غَضَبَهُ» (۲۶) انسان مؤمن به جای منفی بافی و فکر عدم موفقیت در زندگی همواره به آینده مثبت نگاه می کند و با تکیه بر نیروی خداوندی خود را محدود در عالم اسباب نمی پندارد. انسان مؤمن همواره به فضل و رحمت خداوند امیدوار است ولو ظاهراً در شادان و گرفتاریها به سر می برند، ولی این شادان و گرفتاریها به هیچ وجه او را خانه نشین نمی کند، بلکه این شادان و گرفتاریها را مقدمه فرح و گشایش در کارها می داند و معتقد است که در این گرفتاریها و شادان و ناراحتیها، حکمتی نهفته است و اینها به مصلحت او بوده است.

در تربیت انسانها، ایمان به خدا منبع امید را تشکیل می دهد. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «امید واسطه و شفیع آدمی است و ترس، مراقب و نگهبان دل است. هر کس خدا را بشناسد، هم از او ترس و هم به او امید دارد و این دو، دو بال ایمان است که انسان را به سعادت می رساند» (۱۵) حدیث حضرت گویای این نکته است که در تربیت متریبان، چنانچه هدف شناخت خداوند و آن چه که او برای نهایت بندگی مقرر کرده باشد، امید در وجود انسان رنگ می گیرد و موجب سعادت و ختم عقوبت خیر برای انسان می گردد و این امر همان تحقق صحیح تربیت بشر است.

#### افزایش تواضع و فروتنی

در سلسله ارزشها و خصلت های نیک آدمی، تواضع جایگاه ویژه ای دارد. تواضع در ابعاد مختلف زندگی انسان اثر می گذارد؛ چرا که افراد متکبر به خاطر تکبرشان از رسیدن به حق محجوبند در حالی که افراد متواضع از محبوبیت فوق العاده ای در اجتماع بهره برده و همه مردم برای آنها احترام خاصی قائلند.

در تربیت صحیح عواطف، با تکیه بر مبانی و اصول مطروحه، انسان دارای تواضع و فروتنی نسبت به دیگران شده و در برخورد با آنان با فروتنی رفتار می نماید. نقل شده روزی تعدادی از فقرا و مساکین، خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودند. چند تن از بزرگان قریش و دیگران نیز حضور یافتند و گفتند: ای رسول خدا کاش این جماعت مسکین را از خود دور می کردی! و آنان را با ما در یک مجلس نمی نشاندی؛ ما دوست نداریم که با اینها در یک مجلس باشیم. آیه نازل شد: «کسانی را که هر بامداد و شامگاه، پروردگار خویش را می خوانند و خواستار خشنودی او هستند طرد مکن، نه چیزی از حساب آنها برعهده توست و نه چیزی از حساب تو برعهده ایشان، اگر اینها را طرد کنی، در زمره ستمکاران خواهی

اخوت و برادری از مفاهیم رایج و با ارزش فرهنگ اسلامی بوده و آیات متعدد و روایات گوناگون به آن پرداخته اند. افراد یک جامعه زمانی به اخوت، برادری و برابری می رسند که در چنین جامعه ای اُلفت و عطفوت ایجاد شود؛ چنان که دو قبیله ی بزرگ اوس و خزرج ساکن مدینه بیش از صد سال پیایی با هم نزاعهای سنگین و جنگهای خونین داشتند که در سایه ی ایجاد اُلفت و عطفوت با یکدیگر دست اخوت و برادری دادند. آن گونه که قرآن کریم خبر می دهد: «وَأذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران/۱۰۳)؛ به یاد آرید که چگونه دشمن همدیگر بودید و او، میان دل های شما اُلفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر هم یار هم، غمخوار هم و همکار هم شدید. آری در ظل این عنایت الهی (ایجاد اُلفت) بود که دشمنان قسم خورده ی دیروز برادران صمیمی امروز شدند.

از اقداماتی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز در مدینه انجام دادند این بود که میان مسلمانان، عقد اخوت بستند و در همان یکی دو سال ورود به مدینه میان هر یک از مهاجر و انصار پیوند برادری برقرار کردند (۲۳) که به اصطلاح امروز، این حرکت، حرکتی نمادی و سمبلیک بود. مسأله مواخات و برادری میان مسلمانان در واقع تنبه و توجه دادن آنها به همان عواطف انسانی بود؛ چیزی که وجه تمایز انسان از سایر مخلوقات است. مسأله غرائز انسان و حیوان در همه شؤون با یکدیگر مشترک است: عواطف انسانی نسبت به فرزند، پدر، مادر و وابستگان به آنها همه مشترک است؛ غریزه خشم و شهوت نیز میان انسان و حیوان مشترک است، اما چیزی که انسان را از سایر حیوانات ممتاز می کند، دگردوستی و احساس علاقه، عاطفه و مسوولیت انسانها نسبت به یکدیگر است.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) با این حرکت در مدینه می خواستند این عواطف خفته را بیدار کنند. همان طور که ممکن است گاهی برادران و خواهران صلیبی که از یک اصل و ریشه هستند، با همدیگر تضاد پیدا کنند و این تضاد چنان تبدیل به عداوت و دشمنی شود که همه عواطف فراموش شود که گویی اینها یکدیگر را هرگز به عنوان برادر، یا خواهر نمی شناخته اند، میان انسانها نیز ممکن است چنین اتفاقی بیفتد که تا این اندازه از یکدیگر دور افتاده شوند. اما به صورت طبیعی خواهر و برادر صلیبی، منافع و مضار مشترکی را احساس می کنند و با هم احساس نزدیکی و عطفوت می کنند، پس خواهر و برادران دینی نیز می توانند و باید چنین باشند و این کاری بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام دادند. (۲۴)

در آموزه های اسلامی اخوت و برادری از شعارهای اصیل و عمیق و پر معنایی است، که بر آن تأکید زیادی شده است؛ چرا که اسلام در حقیقت همه مسلمانان را به یک معنا، به منزله یک خانواده بزرگ می داند. لذا در ارائه مبانی و اصول تربیت عاطفی در سیره معصومین (علیهم السلام)، تلاش شده تا اخوت و برادری از نتایج این نوع تربیت قرار گیرد.

#### ایجاد امیدواری

امید در لغت به معنای آرزو، رجاء، چشم داشت، انتظار، و به معنای اعتماد و استواری، اشتیاق یا تمایل به روی دادن یا انجام امری همراه

بود. (انعام/۵۲) پس از نزول این آیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) فقرا و مساکین را طبلید و مورد لطف و محبت بیشتر قرار داد. (۱۳) تواضع در مناسبات تربیتی از نظر معصومین (علیهم السلام) ضرورتی غیرقابل اجتناب است و اهتمام آن حضرات بر تربیت، کارکردهای همچون افزایش تواضع در بر داشته است.

#### حمایت عاطفی

از نگاه اسلام، انسان موجودی نیازمند است. و بدون یاری دیگران، توانایی برآوردن نیازهای خویش را ندارد. از این رو، استعدادها و انسان‌ها متفاوت آفریده شده تا بتوانند نیازهای یکدیگر را برآورده سازند. (زخرف/۳۲) روشن است که این نیازمندی، مخصوص ساحتی خاص از زندگانی بشر نیست، بلکه در ساحت‌های مختلف زندگی انسان جریان دارد. یکی از این ساحت‌های نیاز انسان، نیاز به مراقبت و حمایت است. معصومین (علیهم السلام) به این مهم پرداخته و در روند تربیت دیگر انسان‌ها سعی در حمایت از آنان نموده‌اند. در روایت آمده است: «أَلَا لَا يَعْدِلَنَّ أَحَدُكُمْ عَنِ الْفَرَايَةِ يَرَىٰ بِهَا الْخِصَاصَةَ أَنْ يَسُدَّهَا بِالَّذِي لَا يَرِيدُهُ إِنْ أَمْسَكَهُ وَلَا يَنْقُضُهُ إِنْ أَهْلَكَهُ وَمَنْ يَنْقُضْ يَدَهُ عَن عَشِيرَتِهِ فَإِنَّمَا تَقْبِضُ مِنْهُ يَدٌ وَاحِدَةٌ وَتَقْبِضُ مِنْهُمْ عَنْهُ أَيْدٍ كَثِيرَةٌ وَمَنْ تَلَّنْ حَاشِيَتَهُ يَسْتَدِمُ مِنْ قَوْمِهِ الْمَوَدَّةَ» (۳۱)؛ آگاه باشید، مبدا از بستگان تهیدست خود رو برگردانید، و از آنان چیزی را دریغ دارید، که نگاه داشتن مال دنیا، زیادی نیاورد و از بین رفتن کمبودی ایجاد نکند. آن کس که دست دهنده خود را از بستگانش باز دارد، تنها یک دست را از آن‌ها گرفته، اما دست‌های فراوانی را از خویش دور کرده است، و کسی که پر و بال محبت را بگستراند، دوستی خویشاوندانش تداوم خواهد داشت.

«این تعبیر، ممکن است که اشاره به یکی از این دو معنا باشد: یا اشاره به جنبه معنوی این کار باشد که محروم ساختن بستگان از امکاناتی که در اختیار دارد، برکت را از مال و زندگی انسان بر می‌چیند و مایه فزونی مال و ثروت او نمی‌شود و بر عکس، کمک کردن به آنان، برکات الهی را به دنبال دارد و تقیصه ظاهری، به زودی، به لطف پروردگار، جبران می‌شود. و یا اشاره به جنبه ظاهری و مادی این کار است؛ چرا که مشکلات بستگان و خویشاوندان، به هر حال، به انسان منتقل می‌شود و فکر او را آزار می‌دهد و روح او را به خود مشغول می‌دارد و آبرو و حیثیت او را به خطر می‌اندازد و در مجموع، مشکلات زندگیش را بیشتر می‌کند، پس چه بهتر که به یاری آن‌ها بشتابد که هم ثواب آخرت و هم برکات دنیوی و ذکر خیر و آبرو و شخصیت و آرامش خاطر برای خود کسب کند.» (۲۷) در هر صورت اگر هر یک از این جنبه‌ها در نظر گرفته شود، سخن امام تکیه بر حمایت‌گری از دیگران دارد. این حمایت آن جا که صحبت از عواطف انسانی است، ضرورت بیشتری خواهد داشت؛ زیرا اگر این حمایت‌ها به درستی و به موقع صورت نگیرد ممکن است انسان دچار آسیب‌های روحی و عاطفی گردد.

#### تألیف قلوب

«تألیف قلوب» ترکیبی از دو واژه تألیف و قلوب است. در لغت «تألیف» به معنای به هم آمدن دو یا چند چیز، «سازگار کردن» و «انضمام و ترکیب دو چیز با یکدیگر؛ به گونه‌ای که یکی به حساب آید»، آمده است. علاوه بر آن در معنای لغوی «تألیف»، انس و الفت و همپیمانی و ائتلاف وجود دارد که امروزه نیز به کار می‌رود. «قلوب» که مفرد آن قلب است، در لغت به معنای دگرگونی و وارونه است و از آن جهت به عضو تپنده بدن انسان و حیوان قلب گفته‌اند که وارونه قرار گرفته و یا دگرگونی در آن بسیار است. (۲۸) در روایات نیز به تألیف قلوب توجه شده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «خَيْرَ كُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا الَّذِينَ يَأْلَفُونَ وَيُؤْلَفُونَ» (۲۹)؛ بهترین شما از لحاظ اخلاقی کسانی‌اند که انس و الفت ایجاد می‌کنند و با دیگران الفت می‌گیرند. گفتنی است این الفت و ارتباط باید در محدوده اطاعت خداوند و با رعایت امر و نهی الهی باشد. همان گونه که حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «طُوبَى لِمَنْ يَأْلَفُ النَّاسَ وَيَأْلَفُونَهُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ» (۱۵)؛ خوش به حال کسی که با مردم انس و الفت می‌گیرد و مردم هم بر اطاعت از خداوند با او الفت می‌گیرند.

واکاوی سیره معصومین نشان می‌دهد آن‌ها در امر تربیت به گونه‌ای عمل می‌کردند که در نهایت امر الفت و دوستی بین انسان‌ها برقرار گردد. به عنوان نمونه پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) برای تألیف قلوب اعراب تازه مسلمان به سوی اسلام، مشارکت آنان در امور مختلف بوده که خود یکی از اصول تربیت عاطفی است. این در حالی بود که تا قبل از این هیچ حاکمی در امور حکومتی و مملکتی خود با زیردستانش مشورت نمی‌کرد و تنها به نظر خودش متکی بود، پیامبر با این عمل اخلاقی توانست به آنان بفهماند که همه شما در امر حکومت سهیم هستید و من با هم‌فکری شما می‌توانم امور را سروسامان دهم، پیامبر با این کار بیش از پیش قلب‌های آنان را متوجه دین مبین اسلام و شخصیت آنان را تربیت کند. این عمل تربیتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) چنان روحیه مسلمانان را نسبت به اسلام برانگیخت که فردی به نام مقداد بن عمرو بحرانی به پا خواست و گفت: ای رسول خدا برای انجام مأموریت الهی پیش بروید ما مثل بنی‌اسرائیل نیستیم که به موسی (علیه السلام) گفتند: «فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبِّكَ فَقَاتِلْنَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» (مانده/۲۴)؛ پستو برو به اتفاق پروردگارت با آنان قتال کنید ما اینجا خواهیم نشست؛ بلکه ما می‌گوییم تو و پروردگارت کارزار کنید ما نیز با شما پیکار کننده‌ایم، به خدایی که تو را به حق برانگیخت اگر ما را تا سرزمین حبشه ببری همراه شما خواهیم آمد.» (۳۰) مشورت پیامبر (صلی الله علیه و آله) با اصحاب و یارانش و مشارکت دادن آن‌ها، را می‌توان بهترین دلیل برای تجذیب قلوب آنان و نفی استبداد دانست و یا به بیانی دیگر جذب قلوب آنان را یکی از کارکردهای تربیت عاطفی در اصل مشارکت دانست.

#### نتیجه‌گیری

اسلام دینی است که همه نیازهای انسان و جامعه انسانی را مورد توجه قرار داده، قوانینی بس دقیق در تمام زمینه‌ها وضع نموده است

6. Ghaemi Amiri, Ali (Bita) A collection of discussions in the field of family and child education, Qom, Dar al-Tabligh al-Islami.
7. Sadat, Mohammad Ali (1373) Islamic ethics, Tehran, position.
8. Jafari, Sidasaghari Mahdi (2017) Dissertation on methods of emotional education from the perspective of Ahl al-Bayt (peace be upon him) hadiths and life, Al-Mustafa Al-Alamiya Community, Imam Khomeini (H) Higher Education Complex.
9. Dekhoda, Ali-Akbar (1371) Dekhoda dictionary, Tehran, University Publishing Institute.
10. Ritzer, George (1382) Sociological theories in the contemporary era, translator: Mohsen Talasi, Tehran, Elmi, 7th edition.
11. Kilini, Muhammad bin Yaqub (1407 AH) Al-Kafi, Tehran, Dar al-Katb al-Islamiyya
12. Makarem Shirazi, (1386) Message of Imam Amir al-Mominin (peace be upon him), Tehran, Darul Kitab al-Islamiya.
13. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (1417 AH) al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Islamic Publications Office of the seminary seminary community.
14. Nouri, Mirza Hossein (1368) Mostadrak Al-Wasail, Qom, Al-Al-Bait Institute for Heritage.
15. Majlesi, Muhammad Baqir (1403 AH) Bihar al-Anwar al-Jamaa Lederer Akhbar al-Imam al-Athar, Beirut, Dar Ihya al-Trath al-Arabi, second edition.
16. Ibn Athir, Majad al-Din (1399 A.H.) Al-Jeena fi Gharib al-Hadith al-Athr, Beirut, Al-Maqabah Al-Elamiya.
17. Watan-Doost, Reza, (2008), Unity and Convergence in Islamic Thought, Mashhad, Razavi University of Islamic Sciences.
18. Shabar, Seyyed Abdullah (1378) Al-Akhlaq, (translated by Jabaran Mohammadreza), Qom, Hijrat Publications, 4th edition.

که پیروی از آن، ضامن سلامت و سعادت فرد و جامعه است؛ از جمله در امر تعلیم و تربیت، بسیار دقیق و ظریف وارد شده و تمام ابعاد انسان، اعم از معنوی و مادی، عقلانی و عاطفی، اجتماعی و فردی و ... را به طور کامل مورد توجه قرار داده و قوانین و دستورات لازم را ابلاغ یکی از مهم ترین ابعاد تربیت، تربیت عاطفی است. در سیره معصومین (علیهم السلام) به این بُعد از تربیت بسیار اهمیت داده شده، و روایات زیادی در مورد آن از رسول خدا (صلی - الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) و سیره رفتاری آن ها نقل شده است. در سیره نبوی و اهل بیت (علیهم السلام) آثار و کارکردهای مختلفی برای تربیت عاطفی برشمرده شده است. یکی از کارکردهای تربیت عاطفی در سیره آنان، به وجود آمدن انسان - دوستی است. افرادی که عواطف آنان به درستی تربیت شده، نسبت به سایرین احساس انسان دوستانه ای داشته و در روابط خود انسانیت را مطمح نظر قرار می دهند. به واسطه تربیت عاطفی، قوه عقل در انسان ها پرورش می یابد و همان گونه که عقل در در تربیت تأثیر مثبت دارد، تربیت عاطفی نیز در پرورش عقل کارایی دارد. تربیت عاطفی موجب می شود که انسان ها از رحمت الهی بهره مند شوند و به تبعیت از مربیان خود مبادرت ورزند. تربیت عاطفی وحدت - آفرین است و با توجه به اینکه محبت و مهربانی در آن اصل کار است، وحدت میان انسان ها قابل پیش بینی است. در این ساحت تربیتی، کینه ها از بین می رود و امنیت ایجاد می گردد. اخوت و برادری در رفتارها پدیدار شده و امید و انگیزه در انسان ها ظهور می یابد. از دیگر کارکردهای این نوع تربیت آن است که نواضع و فروتنی در انسان ها افزایش می یابد و هر جا که متربی نیاز داشته باشد، حمایت عاطفی از سوی متولیان تربیت صورت می گیرد. تربیت عاطفی موجب تألیف قلوب گردیده و نیازهای عاطفی انسان را برطرف و جبران می نماید.

## References

1. Ragheb Esfahani, Abulqasem Hossein bin Muhammad (1428 AH) Vocabulary of the words of the Qur'an, Beirut, Dar al-Marafa.
2. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (1416 AH) Arabic Language, Beirut, Dar Sadir
3. Seif, Ali Akbar (2007) Modern Educational Psychology, Tehran, Doran.
4. Fayoumi, Ahmed bin Muhammad, 1414 AH, al-Masbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabeer by Rafa'i, Qom, Dar al-Hijrah Institute, second edition.
5. Tarihi, Fakhreddin bin Mohammad (1367) Majma Al-Bahrin, Tehran, Nasher Al-Thaqafia School.

19. Ehsani, Mohammad (1390) Gifts and souvenirs in pilgrimages, Tehran, Mashaar Publishing House.
20. Hosseini Zubeidi, Mohammad Morteza (1414 AH) Taj al-Arus Man Jawaher Al-Qamoos, Beirut, Dar al-Fakr, first edition.
21. Amiri, Jafar Morteza, (1415 AH) Sahih Man Sirat al-Nabi al-Azam, Qom, Dar al-Hadith.
22. Mohammadi Eshtredi, Mohammad (1385) The Great Prophet, Model of Compassion and Resistance, Tehran, Golestan Adab.
23. Amin, Seyyed Mohsen, (1373) Sireh Masooman, translated by Ali Hojjati Kermani, Tehran, Soroush Publishing House.
24. Yathrabi, Seyyed Mohammad (2013) A journey through the treatise on the rights of Imam Sajjad (peace be upon him), a series of speeches by Ayatollah Yathrabi, Qom, Allameh Behbahani publication.
25. Ibn Faris, Ahmad (Bita) Ma'jam Maqays-al-Laghe, researched by Abdul Salam Haroun, Qom, School of Al-Ilam al-Islam.
26. Qomi, Sheikh Abbas (1381) Mufatih al-Janaan, Qom, Al-Hadi Publications.
27. Makarem Shirazi, Nasser (1374) Exemplary Commentary, Tehran, Darul Kitab al-Islamiya.
28. Farahidi, Khalil bin Ahmad (Bita) Al-Ain, Qom, Hijrat, second edition.
29. Ibn Shuba Harrani, Hasan bin Ali (1363) Tuhf-ul-Aqool, Qom, Modaresin Society.
30. Tabari, Emaduddin Hasan bin Ali (1379), Manaqib al-Taherin, Tehran, Raizen.
31. Nahj al-Balagha (1414 AH) Sobhi Saleh, Qom, Hijrat, first edition.